

## کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 0049 1633458007  
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان نسرین رمضانعلی  
Tel: 00491757377539  
E-mail: pramzanali@yahoo.de

# ایسکرا ۳۳۷

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱ آذر ۱۳۸۵، ۲۲ نوامبر ۲۰۰۶

سر دبیر: عبدال کلپریان  
abdolgolparian@yahoo.com

## کارگران سنندج طبقه کارگر را نمایندگی کردند



محمد آسنگران

### مصاحبه با محمد آسنگران در مورد تجمع اعتراضی اخیر پنج کارخانه در سنندج

عبدل گلپریان: همانطور که در جریان هستبد احمدی نژاد بعد از استخاره زیادی بلاخره خواست نشان دهد که می تواند به کردستان هم بپیاید. سفر احمدی نژاد در میان تدابیر شدید امنیتی تدارک دیده شده بود و رژیم فکر می کرد اوضاع بر وفق مراد پیش می رود، اما از طرف دیگر و همزمان ما شاهد ابزار وجود کم نظیر و قدرتمندی در میان کارگران سنندج برای دست یابی به خواسته های خود بودیم، حرکت متحدانه و بی سابقه کارگران پنج کارخانه سنندج و پشتیبانی مردم را هنگامیکه

محمد آسنگران در کردستان نژاد در مورد تجمع اعتراضی اخیر پنج کارخانه در سنندج مصاحبه کرد. محمد آسنگران: این حرکت همچنانکه شما هم گفتید در نوع خود کم نظیر است. بعد از سالها برای اولین بار ۵ مرکز کارگری در شهر سنندج متحد و هماهنگ اقدام مشترکی را سازمان دادند. کارگران شاهو، نساجی کردستان، پریس، آلوئین و علوم پزشکی با هم متحد شدند، مطالبات مشترکشان را یکجا مطرح کردند و مهمتر از همه وقتی دست به این اقدام زدند که رژیم اسلامی با انواع دستجات مسلح خود شهر سنندج

صفحه ۲

## مبارزه برای سازمان دادن کارگران قابل توجه فعالین کارگری در سنندج



ناصر اصغری

کردستان دارای ویژگی هائی است که نمی توان آن را در دیگر نقاط ایران به این صورت سراغ گرفت. جامعه ای تحزب یافته با سنتی بسیار رادیکال و سرخ، که حتی سرکوب های دهه ۶۰ هم نتوانست رادیکالیسم و سرخی اش را از آن بگیرد. ایجاد تشکل های کارگری از قبیل اتحادیه صنعتگر و سازماندهی میتینگ های اول ماه مه در شرایطی به وقوع می پیوستند که خفقانی صفحه ۳

جنبش کارگری در سنندج چند سالی است که به مرکز توجه فعالین کارگری تبدیل شده است. کلا

### خلاصه ای از ۳ اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

## تجمع هماهنگ کارگران پنج کارخانه در مقابل استانداری کردستان جواب محکمی به سفر احمدی نژاد و هیئت دولتش در کردستان بود



صفحه ۳

نامه کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری (ITUC) و  
فدراسیون جهانی حمل و نقل (ITF) به محمود احمدی نژاد  
در اعتراض به دستگیری مجدد منصور اسانلو

صفحه ۴

کارگران شاهو یک قدم دیگر به جلو  
مجمع عمومی تشکیل دادند و نمایندگان خود را انتخاب کردند

صفحه ۵

پیام جوانان آزادیخواه شهر سنندج در ارتباط با حوادث اخیر،  
جمهوری اسلامی بازنده خواهد بود

صفحه ۵

دو گزارش از مرپوان

– خود سوزی یک زن  
– نیروهای مسلح رژیم یک جوان را کشتند  
رویا داریبران

صفحه ۵

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

## کارگران سندج طبقه کارگر را نمایندگی کردند

وزیر کار نیامد اما کارگران جامعه و میلیونها کارگر محروم را نمایندگی کردند و نشان دادند که جامعه در مقابل دولت لیستی از مطالبات بر حق و پایمال شده اش را جلو دولت سرمایه داران میگذارد. این کارگران نشان دادند که جامعه مرعوب نظامی کردن فضای شهرها نمیشود و حقش را از حاکمان طلب میکند.

بنابر این من فکر میکنم این حرکت سر آغاز يك دور مبارزه و اعتراض متحدانه جنبش کارگری میتواند باشد. دیگر مراکز کارگری میتوانند از این تجربه درس بگیرند و اعتراضاتشان را متحدانه به پیش ببرند. تصور کنید اگر این حرکت در مراکز پر قدرت و کلیدی کارگری در ایران صورت بگیرد. مثلاً اگر چنین حرکتی در ایران خودرو و پتروشیمی و نفت و... اتفاق بیفتد کل جامعه ایران را تکان میدهد.

به نظر من این يك حرکت درخشان و با اهمیت بود. ممکن است به دلیل کلیدی نبودن این مراکز کارگری در ایران کمتر سرو صدا کرد و اپوزیسیون بی خاصیت و چپ بیربط به جامعه و کارگر هم متوجه اهمیت این حرکت نباشد که نیست. اما نفس این حرکت علیرغم نتایج آن يك قدم مهم در پیشروی جنبش کارگری بود. يك الگوی مبارزاتی جلو جامعه کارگری ایران قرار داد. این میتواند سرمشقی برای دیگر مراکز کارگری باشد.

متأسفانه احزاب و جریانات چپ در عالم خودشان بسر میبرند هرکدام مشغول کار دیگری بجز جنبش کارگری هستند. حتی وقتی که اخبار این حرکت را شنیدند مثل يك اتفاق ساده فقط توانستند بطور ناقص از دور اطلاعاتی ای بدهند و خیال خودشان را راحت کنند که گوشه چشمی به کارگر هم دارند. اما فعالین کارگری کار خودشان را با، یا بدون این جریانات انجام میدهند و میدانند چکار کنند. این يك حرکت مهم و يك سبک تازه در مقابله با کمبودها و نقطه ضعفهای تا کنونی در جنبش کارگری بود. فعالین این عرصه بعد از مدتها تلاش و خون دل خوردن و تهدید شدن و... توانستند منشا حرکتی باشند که امید بخش

بود. اهمیت این موضوع به نظرم فراتر از نتایج مطالباتی آن است. این يك حرکت رو به جلو و به مصاف طلبیدن کمبودها و موانعی بود که همیشه در مقابل فعالین کارگری سد ایجاد میکرد. موانعی نظیر پراکندگی و حرکت تک فابریکی، این آن موضوعی است که برای فعالین و رهبران کارگری سندج، راه حل و الگوی فراتر رفتن از این وضع را نشان دادند.

**عبدل گلپریان: حرکت متحدانه و یکسخت ۵ کارخانه نساجی، شاهو، پریس، آلومین و علوم پزشکی، بعد از انقلاب ۵۷ یکی از کم سابقه ترین حرکتهای کارگری حتی در سطح سراسری است، آیا تداوم و گسترش این همبستگی کارگری را میتوان در سطح کشور انتظار داشت؟**

محمد آسنگران: قطعاً باید انتظار این را داشت که دیگر فعالین کارگری از این تجربه مهم بیاموزند. اما حزب کمونیست کارگری نباید منتظر باشد. ما باید تلاش کنیم که این اتفاق در دیگر مراکز کارگری بیفتد. ممکن است با انتظار کشیدن به این زودی ما شاهد چنین اتحاد و همبستگی و هماهنگی در دیگر مراکز کارگری نباشیم، اما با تلاش کردن، قانع کردن و موانع پیش رو را کنار زدن باید کمک کنیم این اتحاد و همبستگی گسترش یابد. باید تلاش کنیم که حرف زدن از اتحاد و همبستگی میان کارگران به عملی کردن این سیاست و سبک کار منجر شود. باید کاری کرد که سازمان دادن متحدانه و همبسته جنبش کارگری به امر همه فعالین کارگری تبدیل شود. حقیقت این است اگر حزب کمونیست کارگری مبتکر این نوع سیاستها و سبک کار نباشد ممکن است سالها انتظار بکشیم و اتفاقی نیافتد. بنابر این نقش خود حزب در پیشبرد این سبک از مبارزه و اعتراض کارگری کلیدی است. نقش يك حزب کمونیست و پیشرو باید در همین نقطه عطفها خود را نشان دهد اکنون که تعدادی از فعالین کارگری این الگوی پیشرو را در مقابل جامعه قرار داده اند کاملاً

به جا است که از حزب کمونیست کارگری انتظار داشت در این راستا این تجربه را گسترش دهد و به مسئله کل جنبش کارگری تبدیل کند.

**عبدل گلپریان: بنظر شما در این حرکت بی نظیر و بی سابقه اخیر کارگران سندج آیا چشم انداز ایجاد تشکلهایی در سطح محلی و منطقه ای مثلاً در غرب کشور وجود دارد؟ در این رابطه رهنمود شما به کارگران بخشهای مختلف چه در کردستان و چه در سطح ایران کدامها هستند؟**

محمد آسنگران: به نظرم نیاز حیاتی جنبش کارگری ایران از خیلی وقت پیش تشکل است. از خیلی وقت پیش باید تشکل یابی و سازمانیابی جنبش کارگری به نتیجه میرسید. حتماً در هر سطحی که ممکن است باید تلاش کرد و این تشکلات را ایجاد کرد. باید تلاش کرد کارگران از این پراکندگی نجات پیدا کنند. اما قبلاً اجازه بدهید نکاتی را به عنوان تجربه اینجا یاد آوری کنم.

حدود دو سال قبل جنب و جوشی در این راستا را شاهد بودیم. تشکل کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری از این نوع بود. اما متأسفانه علیرغم حرکت پیشرو و سنت شکنانه اولیه کمیته پیگیری در این راستا بعداً نتوانست کل پروژه تشکل یابی را به سر انجام برساند. ایجاد کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری در ایران نقطه عطفی برای تشکل یابی بود. اما بعد از تشکل این کمیته با وجود کمبودها و نواقص آن در سبکی که در پیش گرفت، تعدادی از بیرون این کمیته هم فضای مسمومی علیه فعالین آن راه انداختند.

تعدادی هم تحت عنوان "فعال کارگری" سکت بودن و غیر مسولانه بودن را به حدی رساندند که شعار انحلال این تشکل را سر دادند که سیاستی ضد کارگری بود. اما کسان دیگری به دلیل دوری و پرت بودنشان از فضای جنبش کارگری به شانتاژ غیر سیاسی و سکت بازیان ادامه دادند و به جایی رسیدند که موازی سازی کردند. احزاب و

جریانات رسمی چپ که اساساً از مرحله پرت بودند و از زاویه سکت خودشان دنیا را دیدند بعد از چند ماه حرافی و پرت و پلاگویی دوبار به کوما رفتند.

نهایتاً هنگامی که این گرد و خاکها خوابید انتظار این بود که فعالین کمیته پیگیری کار اصلیشان را ادامه بدهند. اما متأسفانه علیرغم این شانتاژهای کور و حتی ضد کارگری بیرون کمیته، سبک و روش فعالین خود این کمیته هم از سنت چپ محدودنگر و سنتی رنج میبرد و نتوانست کار اصلی خودش را انجام دهد. در موازی با این کمیته کمیته هماهنگی هم درست شد علیرغم ادعاهای چپ نمایانه اکنون راحت میتوان قضاوت کرد که منشا هیچ اثری نشدند. نه تاثیر اولیه کمیته پیگیری را برای ایجاد جنب و جوش در راستای تشکل یابی را فراهم کرد و نه خود به تشکل کارگری منجر شد و نه دست اندرکار تشکلی کارگری شدند. تنها نتیجه ای که میتوان از آن گرفت این است که ۴-۵ نفر دور هم جمع شدند و اطلاعاتی میدهند.

اطلاعیه دادن حتماً کار مثبتی است و کمیته پیگیری هم متأسفانه برخلاف اهداف اعلام شده اولیه اش اکنون همین سبک کمیته هماهنگی را در پیش گرفته است. فعالین کارگری باید بدانند که این نوع تشکلهای حتماً وجودشان مثبت است و باید از آنها حمایت شود. اما کاری که باید انجام داد ایجاد تشکل است نه تنها حرف زدن از اهمیت تشکل. این کمیته ها قرار بود تشکل کارگری ایجاد کنند اما بعد از دو سال متأسفانه جا خوش کرده اند و انگار خودشان نقش تشکل کارگری را دارند. در حالی که با کمیته ۴-۵ نفر هماهنگی یا کمیته چند ده نفره پیگیری نباید انتظار داشت که کار تشکلهای توده ای کارگری انجام شود. این را خود فعالین این کمیته ها هم واقف هستند اما وقوف به این مهم متأسفانه هنوز باعث نشده است که اقدام جدیدی برای ایجاد تشکل توده کارگران به عمل آورند. در خاتمه این بحث لازم است تاکید کنم ایجاد این کمیته ها اوایل مهم و مثبت بود اما امروز در این سطح ماندن و کار کردن با این سبک کنونی نه تنها جوابگو نیست بلکه از

جنبش کارگری عقب است. اکنون با این تحرك متحدانه کارگران سندج میتوان امیدوار بود که تلاش برای ایجاد تشکل کارگری تکان دیگری بخورد و اقدامات پیشروتری به نسبت آنچه اکنون هست صورت بگیرد.

**عبدل گلپریان: تحرك یکپارچه کارگران سندج نکاتی را به اثبات می رساند که در مصاحبه های قبل پیرامون نقش و جایگاه جنبش کارگری و در تقابل با سنت احزابی که دارند خود را با نیروی مسلح تعریف میکنند، اشاره کردید، اگر بخواهید بعد از این واقعه تأکیدی بر نقش و جایگاه طبقه کارگر داشته باشید، به چه نکات محوری تری خواهید پرداخت؟**

محمد آسنگران: بحث سبک کار ما در جنبش کارگری بحث مفصلی است امیدوارم در شماره های بعدی ایسکرا به آن بپردازم. اما این تحرك امیدوار کننده يك بار دیگر نشان داد که جنبش کارگری در مرکز تحولات سیاسی ایران قرار دارد. اینک که احزاب دیگر به چه مشغول هستند و چه درجه به جنبش کارگری معطوف هستند مشکل آن جریانات است و نباید بیش از وزن خودشان برای آنها جایگاه قائل شد.

این حرکت کارگری يك بار دیگر حقانیت سیاستهای ما را نشان داد. جریانات دیگر در کردستان سیاستها و افقهای دیگری را نمایندگی میکنند که هیچ سختی با مسایل و مشکلات جنبش کارگری و فعالین کارگری ندارد. همه آن جریانات به نحوی و به درجاتی از سنت ناسیونالیسم کرد سهم برده اند و در آن چهار چوب حتماً کارشان را میکنند. مسئله ما جنبشی است که با هزار ويك فاکت و فیکور نشان داده است که توان و قدرت تحولات جامعه را دارد. تنها چیزی که ما باید توجه داشته باشیم راه های پیشروی و کنار زدن موانع این جنبش است. باید تلاش کنیم بر سر این موضوعات با فعالین کارگری به توافق برسیم و اقدامات موثر و اجتماعی برای پیش رفتن را هماهنگ اتخاذ کنیم.

\*\*\*

از صفحه ۱

## تجمع هماهنگ کارگران پنج کارخانه . . .



– پرداخت حقوقهای معوقه کارگران  
– مذاکره با وزیر کار

روز ۲۵ آبان ۱۳۸۵ از ساعت ۹ صبح کارگران کارخانه های نساجی کردستان، نساجی شاهو، نساجی پریس، الومین و علوم پزشکی در اعتراض به موقعیت فرودستی که به کارگران تحمیل شده است در مقابل استانداری تجمع کردند. در حالی که تجمع اولیه بیش از ۳۰۰ نفر از کارگران حضور داشتند هر لحظه بر تعداد شرکت کنندگان و حمایت کنندگان افزوده میشد. نیروی انتظامی وارد عمل شد و نیروهای گادر ویژه را در محل مستقر کردند و تعداد زیادی لباس شخصی خیابانهای اطراف را محاصره کرده بودند تا مردم به صف اعتراضی کارگران نپیوندند. کارگران مطالبات خود را اینچنین اعلام کردند:

– بازگشت به کار کارگران اخراجی  
– پرداخت بیمه بیکاری  
– لغو قراردادهای موقت

کارگران خواهان مذاکره و پاسخگویی وزیر کار شدند. لازم به توضیح است که وزیر کار و هیئت دولت همراه احمدی نژاد در استان کردستان بسر میبرند. کارگران شدت به وضعیت تحمیل شده بخود معترض هستند. یکی از مقامات استانداری و رئیس اداره اطلاعات رژیم اسلامی در سنندج به میان کارگران آمدند و اعلام کردند ساعت یک بعدازظهر وزیر کار با نمایندگان کارگران مذاکره خواهد کرد.

کارگران بلافاصله نمایندگان خود را انتخاب کردند. از طرف نساجی کردستان شیث امانی از طرف شاهو فریدون پالیزی و خالد سواری از طرف الومین علی عباسی و رامین قریبه ای از طرف پریس بهزاد سهرابی و از طرف علوم

هایشان به طرف استانداری حرکت کردند.

ساعت ۳ بعد ازظهر با تجمع مجدد کارگران و خانواده هایشان در مقابل استانداری، نیروهای گارد و یگان ویژه کل منطقه اطراف استانداری را به محاصره خود درآوردند و مانع پیوستن مردم به این تجمع شدند. با این حال تجمع زیاد کارگران در مقابل استانداری باعث ترافیک در منطقه و خیابانهای اطراف شده بود. رئیس اداره کار (صادقی) خود را به محل رسانده و از کارگران تقاضا می کند که به تجمع خود پایان دهند. او اعلام میکند اگر این تجمع تمام شود خواستهای کارگران را پیگیری میکند. کارگران او را هو کرده و به او حمله می کنند. صادقی ناچار به ترك محل میشود. در ادامه این وضعیت و برای پایان دادن به تجمع کارگران، نماینده شهر سنندج در میان کارگران حاضر شد و اعلام کرد که کارگران شاهو تبدیل به مسئله دولت شده و حتی در میان هیئت وزیران نیز بحث آنان مطرح گشته است. وی در ادامه سخنان خود اعلام کرد امشب در جلسه هیئت دولت مسئله کارگران شاهو مطرح خواهد شد و ما روز شنبه جواب قطعی به خواسته های آنان خواهیم داد. بدین ترتیب تجمع کارگران مراکز کارگری سنندج در ساعت ۱۸/۳۰ پایان پذیرفت.

تعدادی از جوانان شهر به قصد پیوستن به تجمع اعتراضی کارگران

به طرف استانداری حرکت کردند و در خیابان ششم بهمین با ممانعت نیروهای انتظامی روبرو شدند. جوانان فوراً تصمیم میگیرند که در چهار راه وکیل تجمع کنند و اعتراض به حضور احمدی نژاد را گسترش دهند. مقامات دولتی برای مقابله با تجمع و اعتراضی جوانان برق این محله و اطراف آن را قطع می کنند و تعداد بیشتری از نیروهای انتظامی و گارد ویژه در سطح شهر مستقر میشوند. راس ساعت ۹ شب این تجمعات پایان یافت.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران همه مردم سنندج را فرامیخواند که وسیعاً کارگران را مورد حمایت خود قرار دهند و در این تجمعات شرکت کنند. ما ضمن حمایت قاطع از مطالبات کارگران، این حرکت هماهنگ و موثر را به همه کارگران تبریک میگوییم. در حالیکه احمدی نژاد در شهرهای کردستان جولان میدهد و با زور و تهدید و ارباب تعدادی را به مراسمهای خود می کشانند، کارگران متحد پنج مرکز کارگری سنندج يك حرکت اعتراضی باشکوه را سازمان دادند. این تجمع يك پیروزی برای جنبش کارگری ایران محسوب میشود. ما يك بار دیگر دست همه کارگران معترض و فعالین کارگری را میفشاریم و قاطعانه از مطالبات این کارگران حمایت میکنیم.

\* \* \*

از صفحه ۱

## مبارزه برای سازمان دادن کارگران . . .

نکته ای بسیار مهم در رابطه با فعالین کارگری که دست اندرکار مبارزه هر روزه کارگران هستند، بپردازم و چند نکته ای دیگر را یادآوری کنم.

معضل بی تشکلی در سنندج

گرچه سنندج در بخصوص یکی دو سال گذشته، همه چشم ها را به طرف خودش برگردانده است، منتها نمی توانیم از يك تشکل جاافتاده کارگری در این شهر اسم ببریم. اگر

کارگران سنندج در یکی دو سال اخیر در مراکز چون نساجی های شاهو و کردستان و پریس و رادیات سازی آلومین، جشن آدم برفی ها، روز جهانی کودک، برپائی مراسمهای باشکوه روز جهانی زن و اول ماه مه، کیفیتا و ماهیتا بسیار قوی تر است از آنچه که هم اکنون در دیگر جاهای ایران جاری است. پرداختن به تجربه کردستان اینجا مد نظر نیست. کسان دیگری با تجارب و اتوریته بیشتری می توانند در این موارد نظر بدهند. در این نوشته می خواهم به

بی مانند جامعه را فرا گرفته بود. سر هر کوچه ای پاسداری مسلسل بدست و انگشت بر ماشه، چهار چشمی هر حرکتی را می پائید. پیشرویهای امروزه جنبش کارگری و دیگر جنبش های رادیکال اجتماعی، از قبیل جنبش زنان و دفاع از حقوق کودک، به نوعی با مبارزات آن دوره يك رابطه پیوسته دارند. گرچه مبارزات اعتراضی و رادیکال در چند سال گذشته در ایران، ماهیتا و کیفیتا با دهه های گذشته فرق دارند، اما مبارزات سازمان یافته و متحد

يك جنبش کارگری، با هر درجه پیشروی نتواند تشکل جاافتاده و شناخته شده ای را به سرمایه داران تحمیل کند، ضعیف است. حال با این درجه "سرخي" که از سنندج یاد کردیم، چرا هنوز این مشکل پابرجاست؟ نمی توانیم برای تغییر این وضع بطور موثر گام برداریم اگر آنچه را که مانع کار ماست شناسیم و به آن نپردازیم.

در حول و حوش برگزاری مراسم اول ماه مه امسال، متوجه شدیم که بر سر بهتر و متحدتر برگزار کردن این روز، این تنها انگشتان حاضر بر ماشه تفنگ ها نیستند که کار فعالین کارگری را سخت می کند.

بلکه وجود گرایشات قوی و جان سختی سنتهای مضر هم کار این فعالین را سخت کرده است. در چند سال گذشته، فعالینی که با هم و در کنار هم مشغول سازماندهی کارگران بودند، امروز به دلایل مختلفی از لحاظ سیاسی و خطی مثل هم فکر نمی کنند. گفتم که کردستان جامعه ای به شدت تحزب یافته است. نمی دانم چند تا از کارگران دست انترکار سازماندهی مبارزات کارگری، عضو چه تشکیلاتی و یا اصلا عضو هیچ تشکیلاتی هستند یا نه. اما این واقعیت دارد که همین فعالین در سازماندهی این مبارزات و طرح

## نامه کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری (ITUC) و فدراسیون جهانی حمل و نقل (ITF) به محمود احمدی نژاد در اعتراض به دستگیری مجدد منصور اسانلو



بسمه تعالی  
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه  
شماره: \_\_\_\_\_  
تاریخ: \_\_\_\_\_  
پیوست: \_\_\_\_\_

جناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد رئیس جمهور  
کاخ ریاست جمهوری  
خیابان فلسطین تقاطع آذر بابجان  
تهران  
جمهوری اسلامی ایران  
شماره فاکس: ۰۰۹۸۲۱۶۴۹۶۸۸۰ و ۰۰۹۸۲۱۶۴۹۶۶۵  
۲۰ نوامبر ۲۰۰۶

مربوط به دستگیری مجدد منصور اسانلو، در تاریخ ۱۹ نوامبر ۲۰۰۶

کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری (ITUC) و فدراسیون جهانی حمل و نقل (ITF) این نامه را به شما می نویسد تا نگرانی عمیق خود را در ارتباط با امنیت منصور اسانلو، رئیس سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه (شرکت واحد) به اطلاع برسانیم. از آن تاریخ خانواده و وکلا از ایشان خبر ندارند.

در ژوئن ۲۰۰۶، ITUC (که در آن زمان ICFTU شناخته می شد) و ITF هر دو شکایت نامه ای به کمیسیون آزادی اجتماعات ILO در رابطه با سرکوب کارگران شرکت واحد (نامه شماره ۲۵۰۸) فرستادیم. در زمان ارسال این نامه منصور اسانلو از تاریخ ۲۲ دسامبر ۲۰۰۵ در زندان بود. متعاقب آن وی در تاریخ ۹ آگوست با قید ضمانت آزاد شد. دو سازمان فوق به حرکت گسترده جهانی که در حمایت از کارگران شرکت واحد بر پا شده بود لیبک گفت و همچنان تاکید کرد که مسئله بازگشت به کار کارگران اخراجی، به رسمیت شناختن اتحادیه و قراردادهای دسته جمعی کار با این شرکت بدون فوت وقت رسیدگی شود.

شرکت واحد از تاریخ ماه می ۲۰۰۶ عضو ITF است. چشم منصور اسانلو در هفته پیش مورد عمل جراحی قرار گرفت و در زمان بازداشت یک چشم او هنوز در باند پیچی بود. او و ابراهیم مددی نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد در راه رفتن به وزارت کار بودند که اسانلو بوسیله چند مأمور امنیتی با لباس شخصی دستگیر می شود. اسانلو و مددی علت دستگیری را می پرسند اما هیچگونه جواب مشخصی دریافت نمی کنند، در عوض مأموران امنیتی اقدام به شلیک تیر هوایی می کنند و با خشونت اسانلو را به طرف اتومبیل که منتظر ایستاده بود پرتاب می کنند و از محل دور میشوند. قبل از دستگیری قرار بر این بود که اسانلو روز دوشنبه ۲۱ نوامبر در دادگاه حاضر شود. ماجرای اخیر زیر پا نهادن عظیم دولت شما را برای حل مسئله مربوط به اتحادیه که ITUC و ITF در مورد شرکت واحد قبلاً برجسته کرده بود، نشان می دهد.

در تاریخ ۱۸ نوامبر ۱۰ نفر از اعضای کمیته اجرایی این اتحادیه در سر راه خود برای شرکت در مجمع ILO در شهر تبریز به مدت ۵ ساعت در توقیف پلیس محلی بودند. در حقیقت دولت شما خود را با یک دوره دیگر از اعتراضات جهانی مواجه می سازد. تا به قراردادهایی که خود با ILO امضا کرده است پایبند بماند.

به نایب از میلیونها کارگر و اتحادیه های آنها در سطح جهان درخواست می کنیم که هرچه زودتر و بدون قید وثیقه منصور اسانلو آزاد گردد. ما همچنین درخواست می کنیم دولت شما به پیمان نامه ILO دال بر آزادی حق تشکیل اتحادیه گردن بگذارد و اعضای سندیکای شرکت واحد را از دستگیری غیر قانونی بوسیله نیروهای امنیتی در امان نگاه دارد.

با سلامهای دوستانه

گای رایدر دبیر کل ITUC  
دیوید کاک رافت دبیر کل ITF

رونوشت: محمد چهرمی، وزیر کار جمهوری اسلامی ایران

« ترجمه و تکثیر: سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه »

همکاران گرامی: لطفاً تکثیر و توزیع شود

Email: Syndicavahed@gmail.com

## قابل توجه دوستان رادیو انترناسیونال در ایران

رادیو انترناسیونال از روز جمعه ۳  
آذرماه ۱۳۸۵ برابر با ۲۴ نوامبر  
۲۰۰۶ مجدداً آغاز بکار میکند.

برنامه های رادیو انترناسیونال هر شب  
ساعت ۹ به وقت تهران روی طول موج  
۴۹ متر برابر با ۶۲۲۵ کیلوهرتز آغاز  
میشود. خبر آغاز بکار مجدد رادیو  
انترناسیونال را وسیعاً و به طرق  
مختلف در شهرهای مختلف ایران به  
اطلاع عموم برسانید!

بمدت يك هفته برنامه های  
آزمایشی رادیو جهت کنترل کیفیت  
صدا و طول موج پخش میشود. از  
دوستان و شنوندگان رادیو  
انترناسیونال در شهرهای مختلف ایران  
تقاضا داریم که کیفیت صدای رادیو را  
در روزهای مختلف این هفته و مرتباً  
به اطلاع ما برسانند.

شماره پیامگیر:

۰۰۴۶۸۶۵۹۰۷۵۵

تلفنهای تماس:

- ۰۰۴۶۷۰۷۰۶۵۶۳۶۲

- ۰۰۴۶۷۰۷۴۳۲۵۴۷

۰۰۴۶۷۳۶۲۹۰۱۶۴

ای میل رادیو:

[radio7520@yahoo.com](mailto:radio7520@yahoo.com)

جمعه ۳ آذر ۱۳۸۵ - ساعت ۹  
شب تهران

طول موج ۴۹ متر برابر با ۶۲۲۵  
کیلوهرتز

مدیر رادیو انترناسیونال،  
سیاوش دانشور  
۲۱ نوامبر ۲۰۰۶

## کارگران شاهی یک قدم دیگر به جلو مجمع عمومی تشکیل دادند و نمایندگان خود را انتخاب کردند



دیروز اعلام کردند چنانچه تا ساعت ۱۰ صبح روز ۲۹ آبان به خواسته های آنان رسیدگی نشود به همراه خانواده هایشان با در دست داشتن پلاکارده از محل کارخانه به طرف استانداری کردستان راهپیمایی خواهند کرد.

بنابر این تصمیم روز سه شنبه کارگران شاهی در محل کارخانه تجمع کردند. با تجمع کارگران مقامات دولتی برای جلوگیری از راهپیمایی کارگران و ترس از گسترش اعتراض، بلافاصله مدیر و مسئولین کارخانه و نماینده اداره کل تامین اجتماعی کردستان با آنان وارد مذاکره شدند. به دنبال این

روز متوالی در مقابل اداره کل تامین اجتماعی و اداره کار سنندج دست به تجمع زده و خواهان پرداخت بیمه بیکاری شده بودند. ادارات فوق همیشه در طول دو سال گذشته تلاش کرده اند همراه با کارفرما میان کارگران تفرقه ایجاد کنند و کارگران شاهی را سر بدوانند. کارگران شاهی در مقابل پاسخ ندادن این ادارات

روز سه شنبه ۲۹ آبان ۱۳۸۵ کارگران شاهی طبق تصمیمی که روز قبل اعلام کرده بودند از ساعت ۸ صبح در محل کارخانه شاهی دست به تجمع زدند. کارگران این کارخانه پنج ماه است که بیمه بیکاریشان پرداخت نشده است. هفته گذشته در مقابل استانداری همراه ۴ مرکز کارگری دیگر بعد از آن چند

۴- صبا ساعدی فر، این تجمع موفقیت آمیز در ساعت ۱۲ ظهر پایان یافت.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن تبریک به کارگران شاهی، دیگر مراکز کارگری را فرامیخواند با تشکیل مجمع عمومی و انتخاب نمایندگان خود هماهنگی لازم را برای پیشبرد متحدانه مبارزات کارگری فراهم نمایند. نمایندگان همه مراکز کارگری و کارگران بیکار و اخراجی میتوانند در یک صف واحد با قدرت بیشتری در مقابل کارفرما و دولت به میدان بیایند.

**کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۹ آبان ۱۳۸۵**

اعتراضاتمان، شر رژیم و دستگاہهای پلیس را برای همیشه از سر خود کوتاه نماییم. ۱۶ اذر فرصت مناسبی برای جواب دادن به این نمایش قدرت رژیم خواهد بود. در این مبارزه بی شک جمهوری اسلامی بازنده خواهد بود.

**زنده باد آزادی و برابری  
زنده باد اعتراضات  
انقلابی مردم ایران  
مرکز بر جمهوری اسلامی**

**جوانان از دیخواه  
شهر سرخ سنندج  
۲۹/۸/۱۳۸۵**

ارتجاعی را در هم بیچد. اکنون که به ۱۶ آذر نزدیک میشویم جبهه رویارویی مردم با جمهوری اسلامی باید به نفع مردم تغییر پیدا کند و این در گرو همان اتحاد و حضور ماست. نباید گذاشت جمهوری اسلامی بیشتر از این انسانها را به گروگان بگیرد. باید منصور اسانلوها و کلیه زندانیان سیاسی را از زندانهای این رژیم آزاد کرد و باید کلیه اوپاش اسلامی را به محاکمه کشید. ما جوانان ازادیخواه شهر سنندج ضمن محکوم کردن سیاستهای سرکوبگرانه رژیم، کلیه زنان و مردان و ازادیخواهان جامعه را فرا میخوانیم تا با گسترش

## پیام جوانان ازادیخواه شهر سنندج در ارتباط با حوادث اخیر، جمهوری اسلامی بازنده خواهد بود

دستگاههای امنیتی هستند. اما نکته مهمی که باید به آن توجه داشت اینست که این بازی رژیم و سایر حرکات مذبوحانه اش نه از سر قدرت بلکه از سر استیصال است، از سر استیصال که مردم معترض و انقلابی به این رژیم تحمیل کرده اند.

ادامه این وضعیت در برابر اعتراضات ما بی شک شکننده خواهد بود و اتحاد و گسترش جنبشهای اجتماعی می تواند برای همیشه طومار نکبت این سیستم

در سطح داخلی به دنبال عقب راندن اعتراضات مردمی. بار دیگر منصور اسانلو رییس سنندیکای کارگران شرکت واحد باز داشت شده است و در این میان ابراهیم مددی نیز مورد ضرب و شتم نیروهای امنیتی رژیم قرار گرفته است، فضای نظامی در دانشگاهها برقرار شده و در حرکتی وحشیانه یک دانشجو به نام توحید غفار زاده توسط اوپاش بسیجی به قتل رسیده است. فعالین اجتماعی و مردمی همچنان مورد تهدید و بازداشت

جبهه رویارویی مردم با جمهوری اسلامی در وضعیت ویژه ای قرار گرفته است. جمهوری اسلامی آخرین تیرهایش را به سمت مردم نشانه گرفته است. ایجاد فضای رعب و وحشت در دستور کار رژیم است. آوردن احمدی نژاد و حکومت نظامی او بخش اصلی همین سناریو بود. رژیم در حال اجرای پرده های دیگر این بازی است. در سطح منطقه جمهوری اسلامی با دامن زدن به درگیری و جنگ در حال باجگیری برای اسلام سیاسی است و

## دو گزارش از مریوان

رویا داریوان

۱۳۸۵ در بیمارستان آخرین نفسهای زندگی پراز فقر و بدبختی را کشید و جان باخت. روز ۲۸ آبان جنازه او بی آنکه کسی صاحب جنازه اش بشود به خاک سپرده شد. شنو ساکن محله "گوره موسوی" مریوان بود.

\*\*\*

## نیروهای مسلح رژیم یک جوان را کشتند

مردم روستای سردوش پاسگاه رژیم در این روستا را به آتش کشیدند.

دیگر در روستای "برده رشه" نیروی کمکی طلب میکنند. با پخش خبر آتش گرفتن پاسگاه فرماندار مریوان همراه تعدادی از نیروهای کمکی در محل حاضر می شوند. فرماندار تلاش میکند مردم را آرام کند و آنها را به آرامش دعوت میکند. مردم خشمگین این مزدور را نیز مورد حمله قرار می دهند. آنها ناچار از محل دور میشوند و به خاموش کردن آتش پاسگاه میپردازند.

\*\*\*

**باز تکثیر از کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران**

**تلویزیون کانال جدید را  
همزمان در اینترنت ببینید!**

[www.pamtv.us](http://www.pamtv.us)

**تلویزیون انترناسیونال**

**هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰  
به وقت تهران**

**مشخصات فنی ماهواره**

Satellite: Telstar 12

Frequency: 11494

Symbol Rate: 17469

FEC: 3/4

از صفحه ۳

## مبارزه برای سازمان دادن کارگران . . .

مطالبات خود، از سیاست احزاب مختلفی پیروی می‌کنند؛ و این نه از سر برنامه‌ریزی از قبل، بلکه از سر جهان‌بینی‌ای است که خود را با آن تداعی می‌کنند و احزاب در کردستان هم با آن تداعی می‌شوند. اگر پیچیدگی خفقان نبود، مشکلی نبود که فعالین کارگری با گرایش‌های حزبی‌شان به اسم سمپاتهای همان حزب ابراز وجود می‌کردند؛ اما متأسفانه این پیچیدگی، کار همه ما را مشکل می‌کند. همدیگر را می‌شناسیم و این شناخت سیاسی که از همدیگر داریم، حتی پرداختن به یک فعالیت روتینی چون مراسم اول ماه مه را نیز، برای ما مشکل می‌کند.

از چند و چون برگزاری مراسم اول ماه مه امسال در سنندج خبر دقیقی ندارم. اما در بین اسامی "کمیته برگزاری ۱ مه سنندج ۲۰۰۶" نام فعالین سرشناسی قلم خورده است. بعدها خودشان گفتند که این اسامی سهواً از قلم افتاده است. فردین نگهدار از "کمیته ۱ مه سنندج ۲۰۰۶" که خود را از "کمیته هماهنگی ... معرفی می‌کند، می‌گوید: "فعالان و پیشروان کارگری سنندج بر ضرورت برگزاری مراسم فراگیر و مستقل از تشکلهای دولتی اصرار می‌کردند و بارها استقلال این مراسم را از هر جریان و گروهی اعلام کردند." این گرایش عقبمانده‌ای است که حاضر نیست با فعالین کارگری دیگری مراسم اول ماه مه برگزار کند، اما حاضر است در مراسم دولتی شرکت کند و حتی سخنرانی هم بکند. اطلاعیه شماره ۴ "کمیته برگزار ۱ مه ۲۰۰۶" می‌گوید: "نمایندگان دولت آقای بهزاد سهرابی - سخنگوی کارگران - را به درون تالار بردند. اما علی‌رغم وعده و وعید امکان سخنرانی به او داده نشد." این يك اشتباه مهلکی است که سال گذشته محمود صالحی هم دچار آن شد. ایشان البته حتی سخنرانی هم در جلسه خانه کارگر سقز کردند. به نظر می‌رسد که این

خط "کمیته هماهنگی" است. فعالین کارگری سنندج علی‌رغم نوشته فردین نگهدار که قرار بوده "کمیته ۱ مه سنندج" به دام مراسم دولتی نیافتد، اما به نظر می‌رسد که يك جبهه‌گیری علیه گرایش‌های دیگر بوده است. "استقلال این مراسم از هر جریان و گروهی" یعنی چه؟ اگر جریانی آنجا با پلاکاردهای حزبی آمده و خواسته مراسم شعارهای سرنگونی طلبانه او را و یا شعارهای ناسیونالیستی آن یکی را تکرار کند، کار درستی نکرده؛ این مبارزه کارگر را تقویت نمی‌کند. اما اگر صرفاً از سر اینکه همدیگر را می‌شناسیم و چنین جبهه‌گیری می‌کنیم، این روش ناسالمی است که قبل از هر چیز می‌خواهد با جریان خاصی تسویه حساب بکند. این روش باید توسط فعالین کارگری طرد و افشا شود. این روش آب به آسیاب رژیم می‌ریزد.

## چه باید کرد؟

دنبال کردن تجربه اعتصاب و اعتراضات کارگران شرکت واحد، بخصوص آنچه که خانواده‌های فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد در باره آن اظهار داشته‌اند و یا تجربه کرده‌اند، برای فعالین کارگری بسیار آموزنده خواهد بود. هیچ‌کدام از آنها از اینکه سندیکا توسط چه گرایشی سازماندهی شد و فعالین آن عضو چه گروه و حزبی هستند، توجهی نمی‌کنند. این نکته برایشان مهم است که تشکلی درست شده و از حقوق پایمال شده کارگران دفاع کرده است. این به نفع حزبیت طبقه کارگر است؛ چرا که فعالین تشکلی کارگری متوجه خواهند شد بدون رابطه این تشکلی با حزب طبقه کارگر، نمی‌توان چیز زیادی از طبقه سرمایه‌دار گرفت. توصیه می‌کنم دوستان بحثهای این افراد را دنبال کنند. بخصوص مطلب "سندیکای کارگران شرکت واحد از نمایی دیگر" چاپ شده در شماره اول مجله "راه آینده" بسیار آموزنده است. اگر

دسترسی به آن ندارید، بگذار اینجای چند نقل قول از آن را برایتان بیاورم. خانم سلیمی می‌گوید: "سندیکا يك زنجیره بین کارگران است و می‌تواند از حق و حقوق کارگران دفاع کند." خانم نعمتی‌پور می‌گوید: "من دیروز زنگ زد به بچه‌های سندیکا. با آقای اسالو حرف زدم. تازه آزاد شده. بهش گفتم وقتی کار سندیکا را شروع کردید من با سندیکا نبودم ولی از این به بعد سعی می‌کنم هر کار می‌کنید من باشم. خواهرم هم همین را می‌گوید. او هم می‌خواهد با سندیکا کار کند. از وقتی اینها سخت گرفتند و در سندیکا را بستند و این مسایلی را برای ما پیش آوردند، خانواده‌ها بیشتر علاقه مند شده‌اند." خانم زادحسین می‌گوید: "خیلی از خانواده‌ها که من باهاشون برخورد داشتم، می‌گفتند که ما روزی اول مخالف بودیم. ولی الان با شرایطی که برای ما پیش آوردند، ما تا آخرش باهاشون هستیم. خود من هم بهش می‌گم هر جا داری میری منو هم با خودت ببر. ... خدا شاهد خبلی از غریبه‌ها وقتی به گوششان می‌رسه یه مشت کارگر بی‌گناه رفته‌اند زندان، و بی‌کارشان کرده‌اند، کمک می‌کنند. خانم آمد بود و يك حلب روغن و ۵ كيلو برنج آورده بود. غریبه بود. گفت من نمی‌دانم کدام يك از شماها احتیاج دارید ولی این را بدهید به هر که بیشتر احتیاج دارد. ... همین معلم پسرم وقتی فهمیده بود، مرا خواست و گفت ما افتخار می‌کنیم. اینها یه راهی رفته‌اند و کاری کرده‌اند که برای همه ما مفیده. اگه کمکی، چیزی لازم داشتید به ما بگویید." پسر خانم زادحسین می‌گوید: "وقتی معلم من فهمید پدرم کیست؟ به من تبریک گفت. توی مدرسه هم، همه به من احترام می‌گذارند. کارگر شرکت واحد حشمو خواسته، حقی که در سالهای اخیر ازش گرفته شده بود. ... راه پدرم درست است و من هم باهاش هستم." خانم دیگری می‌گوید: "می‌دانم که هیچ کس

همین طوری حق کس دیگری را نمی‌دهد. باید برایش مبارزه کرد." و یا در جای دیگری می‌گوید: "حالا اگر این حرکت صنفی یا سیاسی، من یکی که پاش و ایستادم. چون چیزی ندارم که از دست بدهم." نکات بالا را نقل کردم تا نشان دهم که مردم لزوماً از سر ایدئولوژی دنبال مبارزه و تشکلی کارگری نمی‌روند. ما وقتی که از سندیکای شرکت واحد حرف می‌زنیم، و می‌خواهیم کارگران هر چه بیشتری دور سندیکا جمع بشوند و از رهبران دفاع کنند، لزوماً کسی را دنبال فعالینی که دنبال تفسیر قوانین جمهوری اسلامی هستند نمی‌فرستیم. فعال کارگری با گرایش کمونیستی که قرار نیست با يك فعال کارگری جناح چپ ناسیونالیسم کرد حزب تشکیل بدهد، باید اما با وی بر سر مطالبات کارگری متحد بشود. اتحاد بر سر خواسته‌های کارگری يك مقوله کارگری است. فعال کارگری با هر فعال کارگری دیگری که بیاید بر سر مطالبات کارگری مبارزه کند، از هر گرایشی که باشد، باید متحد بشود. با احزاب می‌شود سر این که اتحاد عمل بکنیم یا نه، حرف زد و بحث کرد. اما با کارگری که درگیر همان مبارزه هست، فرقی نمی‌کند از چه گرایش و حزبی است. حتماً باید متحد شد. برای فعال کارگری کمونیستی که درگیر سازمان دادن مبارزه کارگری است، فعالی که باید يك جز دائم مبارزه وی باشد، بصورت متحد عمل نکردن به حکم خودکشی است. اگر مسائل دیگری را اینجا برای همکاری نکردن دخیل کند، سریعاً حاشیه‌ای می‌شود. در جای خودش، در محافل محدودتر خودمان بر سر مطلوبیت شورا، مجمع عمومی و یا سندیکا بحث خواهیم کرد، اما فعلاً در بحبوحه يك مسئله مبرم جلوی رو، بحثهای بیهوده و انرژی‌بر، فقط انسان را بحثی حتی در بحبوحه يك مبارزه حاد با رژیم از لحاظ نظری درست به نظر بیاید، اما در زندگی روزمره،

منطق چیز دیگری به ما می‌گوید و خودش را تحمیل می‌کند.

در خاتمه

این نوشته علی‌العموم رو به فعالین کارگری کمونیستی است که درگیر مبارزات روزمره کارگری اند؛ و در این میان نیز خواه ناخواه تن‌شان به تن فعالین کارگری گرایش‌های دیگری خواهد خورد. مبارزه بر سر سازماندهی کارگران، مبارزه برای متحد کردن کارگران، يك فعالیت روتینی کمونیستی است. اگر کارگران متحدتر ظاهر بشوند، اگر تشکلی توده‌ای خودشان را داشته باشند، تحزب کمونیستی کارگران قویتر خواهد شد. سازماندهی مبارزات کارگران برای کمونیستها، بخشی از يك فعالیت آکسیونی نیست. اگر يك فعال کارگری این چنین فکر نمی‌کند، یعنی به آن بعنوان يك آکسیون حزبش برخورد می‌کند، طبعاً می‌رود انرژی‌اش را در درست کردن تشکلی چون "تشکلی ضد سرمایه‌داری" صرف می‌کند که همه کارگران همفکر در آن جمع خواهند شد. اما این تشکلی هر چه باشد، تشکلی توده‌ای کارگران نیست.

اساساً فعال کارگری‌ای که برای رقابت با گرایش دیگری می‌خواهد کارگران را "سازمان" بدهد، مشغله‌اش مشکل بی‌تشکلی و بی‌حقوقی کارگر نیست. کمونیستها نباید در دام این نوع افراد و بحث‌هایشان بیفتند که جز اتلاف وقت حاصلی نخواهد داشت. ما باید کار خودمان را بکنیم و راههای پیشروی را نشان بدهیم.

۱ نوامبر ۲۰۰۶

به ایسکرا  
کمک مالی  
کنید

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!